

تأثیر مالکیت نهادی و مالکیت عمده بر مدیریت دریافتنی ها

حسن رحیمی فرد^{۱*}

محسن صادقی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۳۹۹/۰۹/۱۱

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تاثیر مالکیت نهادی و مالکیت عمده بر مدیریت دریافتنی ها است. در راستای هدف پژوهش، دو فرضیه تدوین شد. جهت آزمون این دو فرضیه با استفاده از روش حذف سامانمند، نمونه‌ای متشکل از ۱۰۵ شرکت از بین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی هشت ساله بین سال‌های ۱۳۹۰ لغایت ۱۳۹۷ انتخاب گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از مدل‌های رگرسیون چند متغیره به روش داده‌های ترکیبی استفاده شد. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد مالکیت نهادی تاثیر منفی بر مدیریت دریافتنی ها دارد. همچنین نتایج نشان داد که مالکیت عمده تاثیر منفی بر مدیریت دریافتنی ها دارد.

واژگان کلیدی

مالکیت نهادی، مالکیت عمده، مدیریت دریافتنی ها.

^۱ دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد مبارکه، اصفهان، ایران. (* نویسنده مسئول:

hasanrahimifard@yahoo.com

^۲ استادیار گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد مبارکه، اصفهان، ایران. (mohsen_ms_sadeghi@yahoo.com)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مقدمه

حساب های دریافتی یک مطالبه برای شرکت ها برای کالاها و خدمات دریافت شده توسط مشتریان است و نه تنها یک حساب اصلی برای کل دارایی هاست، بلکه منبع ارزش عملیاتی در معاملات حسابداری است. مطالعات قبلی در مورد حساب های دریافتی در دو دسته قرار می گیرد، یکی سیاست های حساب های دریافتی را در نظر می گیرد و به دنبال مدل مقدار بهینه حساب های دریافتی برای دستیابی به حداکثر سود است (اسچیف و لیبر^۱، ۱۹۷۴؛ استنفورد^۲، ۱۹۸۹؛ لیو و همکاران^۳، ۲۰۰۷). مطالعات دیگر خطرات حسابرسی ناشی از دستکاری ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد و موارد جمع شده را تشخیص می دهد (هیلی^۴، ۱۹۸۵؛ دی آنجلو^۵، ۱۹۸۶؛ براون و همکاران^۶، ۱۹۸۷). حتی برای بنگاههای بزرگ که ریسک کمتری دارند، ممکن است شرکت ها به طور دلخواه سیاست اعتباری مناسب را برای تحقق مزایای کوتاه مدت ناشی از مدیریت دریافتی ها تنظیم نکنند و از الگوی بهینه پیروی نکنند (هانگ و کو^۷، ۲۰۱۱). از جمله عواملی که می تواند بر مدیریت دریافتی ها تاثیر گذار باشد، ساختار مالکیت شرکت ها است. اعتقاد بر این است که سازوکارهای حاکمیت شرکتی مانند ساختار مالکیت، توان تاثیر گذاری مستقیم بر روی توانایی سرمایه گذاران برای وادار کردن مدیریت به استفاده کارا از منابع موجود در سازمان ها و مدیریت دریافتی ها را برخوردار هستند (کیربو-سولمن و اوسی^۸، ۲۰۰۸). سیاست های ناکارآمد مدیریت دریافتی ها می تواند نتیجه حاکمیت شرکتی ضعیف باشد و نتیجتاً به کاهش ثروت صاحبان سهام منجر شود؛ به عبارت دیگر سازوکارهای حاکمیت شرکتی اثربخش مانند مالکیت نهادی و مالکیت عمده به عنوان عامل نظارتی در مدیریت منابع شرکت محسوب می شود. مالکان شرکت و مدیریت عالی شرکت مسئول تدوین سیاست های مرتبط با مدیریت وجوه نقد، حسابهای دریافتی، خرید و نگهداری موجودی و تمامی دیگر سیاست های سازمانی می باشند؛ بنابراین مالکان نهادی و عمده و مدیریت عالی از نقشی مهم در شرکت برخوردار می باشند و تصمیم گیری و اقدامات اجرایی آنها می تواند تاثیری اساسی بر حسابهای دریافتی در شرکت داشته باشد (گیل و بیگر^۹، ۲۰۱۳). لذا با توجه به موارد مطرح شده می توان بیان کرد که هدف اصلی این پژوهش بررسی تاثیر مالکیت نهادی و مالکیت عمده بر مدیریت دریافتی ها می باشد.

۲. مبانی نظری و ادبیات پژوهش

حساب های دریافتی مقدار قابل توجهی از کل دارایی های شرکت را تشکیل می دهد. حساب های دریافتی دو پیامد مهم برای سیاست مالی شرکت ها در بردارد. اول، میزان تأمین مالی مورد نیاز برای تأمین اعتبار این حساب های دریافتی قابل توجه است و دوم اینکه چون اینها دارایی های کوتاه مدت هستند، نیاز به بازپرداخت مکرر دارد؛ بنابراین، حساب های دریافتی یک عامل مهم در سیاست های کلی مالی یک شرکت را تشکیل می دهند. حساب های دریافتی حساب هایی هستند در طول دوره تجاری شرکت ایجاد می شود و در صورت رقابت در بازار، اجتناب ناپذیر می شوند؛ بنابراین، مدیریت

1. Schiff & Lieber
2. Stanford
3. Liu et al
4. Healy
5. Deangelo
6. Bowen et al
7. Hung & Kao
8. Kyereboah –Coleman & Osei
9. Gill & Biger

کارآمد حساب‌های دریافتی دارای پیامدهای با ارزشی برای شرکت‌ها است (شین و سوئن^{۱۰}، ۱۹۹۸). از یک طرف، حساب‌های دریافتی هزینه‌ای برای شرکت است و با فروش بیشتر، درآمد را افزایش می‌دهد؛ بنابراین، بین مزایا و هزینه‌های حساب‌های دریافتی توازن وجود دارد. جدا از این توازن بین مزایا و هزینه‌های حساب‌های دریافتی، مدیریت آنها تحت تأثیر تضاد نمایندگی بین مدیر و مالکان نیز قرار دارد (کریشناکوتی و جادیاپا^{۱۱}، ۲۰۲۰). در یک شرکت که مدیران درصد کمی از سهام را در اختیار دارد، انگیزه کمتری در مدیریت کارآمد حساب‌های دریافتی وجود دارد (جنسن و مک‌کلینگ^{۱۲}، ۱۹۷۶). شاید در این حالت مدیران در سیاست‌های حساب‌های دریافتی آزادتر عمل کند، زیرا تمایل دارد که در کوتاه‌مدت فروش را افزایش دهند. با این وجود هزینه‌های مالی بالاتری را برای شرکت ایجاد می‌کند و میزان بدهی‌ها را افزایش می‌دهد. در این زمینه، تأثیر بررسی تمرکز مالکیت در مدیریت حساب‌های دریافتی در یک شرکت با اهمیت تلقی می‌شود (کریشناکوتی و جادیاپا، ۲۰۲۰).

انگ و همکاران^{۱۳} (۲۰۰۰) استدلال می‌کنند که مالکان عمده انگیزه‌های کافی برای نظارت مؤثر بر شرکت‌ها دارند، زیرا سهام زیادتری در آن شرکت دارند. در این پژوهش تأثیر ساختار مالکیت بر مدیریت حساب‌های دریافتی بررسی می‌شود. می‌توان انتظار داشت که در صورت وجود هزینه‌های نمایندگی، مالکیت متمرکز باید بر نسبت حساب‌های دریافتی به فروش تأثیر منفی داشته باشد. در این پژوهش برای محاسبه ساختار مالکیت از دو معیار مالکیت نهادی و مالکیت عمده استفاده می‌شود. هر دوی این مالکان از ظرفیت و تمایل برای استفاده از ظرفیت خود برای نظارت مؤثر بر مدیران در صورت داشتن سهام بالاتر برخوردار هستند. در ادبیات مالی مطالعاتی وجود دارد که مدیریت حساب‌های دریافتی، عوامل تعیین‌کننده آن و تأثیر آن بر عملکرد شرکت را بررسی کرده‌اند (هانگ و کو^{۱۴}، ۲۰۱۱؛ ماین و اسمیت^{۱۵}، ۱۹۹۲؛ میچالسکی^{۱۶}، ۲۰۱۲؛ مولینا و پریو^{۱۷}، ۲۰۰۹). با این حال، هیچ مطالعه‌ای تأثیر ساختار مالکیت در مدیریت حساب‌های دریافتی را بررسی نکرده است؛ بنابراین در این پژوهش تأثیر مالکیت نهادی و مالکیت عمده بر مدیریت حساب‌های دریافتی بررسی می‌شود.

سرمایه‌گذاران نهادی، سرمایه‌گذاران بزرگ نظیر بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و شرکت‌های سرمایه‌گذاری هستند. عموماً این‌گونه تصور می‌شود که حضور سرمایه‌گذاران نهادی ممکن است به تغییر رفتار شرکت‌ها منجر شود. این امر از فعالیت‌های نظارتی که این سرمایه‌گذاران انجام می‌دهند، نشأت می‌گیرد (ولوری و جنکینز^{۱۸}، ۲۰۰۶). سرمایه‌گذاران نهادی نقش مهمی در نظارت بر شرکت‌ها ایفا کنند. این موضوع به این دلیل است که سرمایه‌گذاران نهادی به ایجاد ارزش بلندمدت برای شرکت‌ها علاقه بیشتری دارند؛ بنابراین آن‌ها انگیزه بیشتری برای نظارت دارند. علاوه بر این، این سرمایه‌گذاران در مورد ویژگی‌های شرکت و صنعت آگاه‌تر هستند و درک عمیق‌تری از فعالیت‌های عملیاتی آن‌ها دارند (بروچین و یانگ^{۱۹}، ۲۰۱۷). سهامداران عمده به عنوان سهامدارانی در نظر گرفته می‌شوند که دارای درصد قابل

10. Shin & Soenen

11. Krishnankutty & Jادیyappa

12. Jensen & Meckling

13. Ang et al

14. Hung & Kao

15. Mian & Smith

16. Michalski

17. Molina & Preve

18. Velury & Jenkins

19. Borochin & Yang

توجهی از مالکیت سهام شرکت می باشند (الفیومی و همکاران^{۲۰}، ۲۰۱۰). سهامداران عمده مدیران را تشویق می کنند تا به طور کامل اطلاعات مالی را گزارش کنند. قدرت تحت اختیار سهامداران عمده، آن ها قادر به نظارت بر مدیریت می سازد (باریوسف و پرنسیپ^{۲۱}، ۲۰۱۳).

کارآیی مدیریت حساب های دریافتی بر حسب نسبت حسابهای دریافتی تعریف می شود، یعنی نسبت کل حساب های دریافتی به کل فروش. هرچه این نسبت بیشتر باشد، مدیریت دریافتی ها نیز کارآمدتر خواهند بود؛ بنابراین، انتظار می رود که رابطه منفی بین ساختار مالکیت (مالکیت نهادی و عمده) و نسبت حساب های دریافتی وجود داشته باشد. در هر دو مورد مالکیت نهادی و عمده، با افزایش درصد مالکیت انگیزه آنها برای نظارت بر عملکرد مدیر بیشتر می شود؛ بنابراین، درصد بالاتری از مالکیت نهادی و عمده موجب کاهش هزینه های نمایندگی برای مدیریت حساب های دریافتی می شود. همچنین می توان انتظار داشت که شرکت های با مالکیت متمرکز، وجه نقد کمتری را در مطالبات پرداخت کنند، زیرا مالکان از نزدیک مراقب فعالیت های مدیریت هستند (کریشناکوتی و جادیایا، ۲۰۲۰). لذا با توجه به مبانی مطرح شده در خصوص موضوع پژوهش، این سوال پژوهشی مطرح می گردد که آیا مالکیت نهادی و مالکیت عمده بر مدیریت دریافتی ها تاثیر گذار است؟

۲-۱. پیشینه پژوهش

کریشناکوتی و جادیایا^{۲۲} (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان "ساختار مالکیت و مدیریت دریافتی ها" به بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر مدیریت دریافتی های شرکتهای هندی پرداخته اند. نتایج به دست آمده با استفاده از تعداد مشاهدات ۱۱۶۴ شرکت در بازه زمانی ۲۰۰۶-۲۰۱۶ نشان می دهد که رابطه ای منفی بین تمرکز مالکیت و نسبت حسابهای دریافتی وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد شرکتهایی که دارای مالکیت متمرکز و مالکیت نهادی هستند، از لحاظ میزان فروش، باید دریافتی های کمتری داشته باشند.

گیل و بیگر^{۲۳} (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان "تأثیر حاکمیت شرکتی بر کارآیی مدیریت سرمایه در گردش شرکتهای تولید کننده آمریکایی" به بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر کارایی مدیریت سرمایه در گردش در ۱۸۰ شرکت تولیدی کشور آمریکا برای دوره مالی ۲۰۰۹-۲۰۱۱ پرداختند. آنها برای اندازه گیری حاکمیت شرکتی از شاخص های اندازه هیئت مدیره، وضعیت دوگانگی پست مدیر عامل و دوره تصدی مدیر عامل استفاده کردند. شواهد نشان داد که برخی از مکانیزم های حاکمیت شرکتی نقش مهمی در بهبود کارایی مدیریت سرمایه در گردش ایفا می کند.

کاجاناندن و اکیودن^{۲۴} (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان "شیوه های حاکمیت شرکتی و کارآیی مدیریت سرمایه در گردش" تأثیر ویژگی های حاکمیت شرکتی بر مدیریت سرمایه در گردش در سریلانکا در سال های ۲۰۰۷-۲۰۱۱ را با استفاده از روش رگرسیون چندگانه بررسی کردند. یافته های آنها نشان داد که حاکمیت شرکتی (کمیته های هیئت مدیره، تعداد جلسه های هیئت مدیره و اندازه هیئت مدیره و ساختار رهبری هیئت مدیره) بر نسبت بدهی و نسبت دارایی جاری تأثیر معناداری دارد و در مقابل حاکمیت شرکتی بر چرخه تبدیل وجه نقد تأثیر معناداری ندارد.

20. Al-Fayoumi et al

21. Bar-Yosef & Prencepe

22. Krishnankutty & Jadyappa

23. Gill & Biger

24. Kajanathan & Achchuthan

پالومبینی و ناکامورا^{۲۵} (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان "عوامل اصلی در مدیریت سرمایه در گردش در بازار برزیل" با استفاده از اطلاعات شرکت‌های سهامی در برزیل برای دوره زمانی ۲۰۰۱-۲۰۰۸ به شواهدی دست یافتند که بر این اساس، مکانیزم‌های نظارتی مدیریتی، همچون درصد تمرکز مالکیت، نسبت اعضای غیرموظف و پاداش سالانه مرتبط با سود شرکت تأثیر معناداری بر میزان سرمایه در گردش ندارد. با این حال، یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده آن است که سرمایه در گردش به شدت تحت تأثیر ویژگی‌های شرکت، نظیر سطح بدهی، اندازه و همچنین، رشد شرکت قرار می‌گیرد.

ناصری و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان "بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر کارایی مدیریت سرمایه در گردش در بورس اوراق بهادار تهران"، به بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر کارایی مدیریت سرمایه در گردش شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند. در این راستا، تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی (شامل اندازه هیئت‌مدیره، درصد سهامداران نهادی و درصد اعضای غیرموظف) بر کارایی مدیریت سرمایه در گردش (شامل دوره بازپرداخت بدهی، دوره وصول مطالبات، دوره تبدیل موجودی و چرخه تبدیل وجه نقد) بررسی شده است. در این پژوهش، نمونه آماری پژوهش شامل ۹۸ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۰ می‌باشد. نتایج حاکی از آن است که درصد سهامداران نهادی با چرخه تبدیل وجه نقد رابطه معکوس، ولی با دوره وصول مطالبات، دوره بازپرداخت بدهی و دوره تبدیل موجودی رابطه مستقیم دارد. افزون بر این، بین اندازه هیئت‌مدیره و متغیرهای مدیریت سرمایه در گردش رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین، درصد اعضای غیرموظف با چرخه تبدیل وجه نقد و دوره وصول مطالبات رابطه معناداری ندارد و با دوره بازپرداخت بدهی و دوره تبدیل موجودی رابطه مستقیم دارد.

پورزمانی و رضاعی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "تأثیر نظارت خارجی بر رابطه بین نسبت گردش سرمایه و عملکرد صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک"، به بررسی تأثیر نظارت خارجی (سرمایه‌گذاران نهادی) بر رابطه بین نسبت گردش سرمایه و عملکرد صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک پرداخته‌اند. جهت انجام پژوهش، تمامی صندوق‌های سرمایه‌گذاری دارای مجوز فعالیت از سازمان بورس اوراق بهادار از مهر ۱۳۹۱ تا پایان شهریور ۱۳۹۳ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصله حاکی از ارتباط معکوس و معنادار بین نسبت گردش سرمایه با عملکرد صندوق‌ها می‌باشد. همچنین ارتباط مستقیم و معناداری بین نظارت خارجی و عملکرد صندوق‌ها وجود دارد. در حالیکه نتایج رابطه معناداری بین نظارت خارجی و رابطه بین نسبت گردش سرمایه و عملکرد صندوق‌ها نشان نداد.

زلفی و گودینی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر رابطه بین مدیریت سرمایه در گردش و سودآوری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران"، به بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر رابطه بین مدیریت سرمایه در گردش و سودآوری شرکت‌ها پرداخته‌اند. نمونه آماری این پژوهش شامل ۹۰ شرکت از بین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۳ بوده که با روش حذفی این نمونه را از جامعه موردنظر انتخاب و مورد بررسی قرار داده‌ایم. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از رگرسیون خطی چندگانه با استفاده از داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد که بین مدیریت سرمایه در گردش و سودآوری شرکت‌ها رابطه منفی و معناداری وجود دارد، همچنین مالکیت بخش عمومی اثر مثبت و معناداری بر رابطه بین مدیریت سرمایه در گردش و سودآوری شرکت دارد؛ اما مالکیت دولتی تأثیر معناداری بر این رابطه ندارد.

رحمانی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه تمرکز مالکیت و ساختار هیئت مدیره با کارایی مدیریت سرمایه در گردش"، به بررسی تأثیر برخی از مؤلفه‌های حاکمیتی نظیر تمرکز مالکیت (درصد سهام پنج سهامدار بزرگ) و ساختار هیئت مدیره (اندازه و اسقلال هیئت مدیره) بر کارایی مدیریت سرمایه در گردش پرداخته‌اند. بدین منظور، فرضیه‌های پژوهش براساس اطلاعات ۱۱۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ و با استفاده از الگوی داده‌های تابلویی بررسی و آزمون شدند. نتایج بیانگر آن است که سطح تمرکز مالکیت ارتباط منفی و معناداری با دوره تبدیل موجودی و چرخه تبدیل وجه نقد دارد، اما ارتباط معناداری با دوره وصول مطالبات و دوره پرداخت بدهی ندارد. این در حالی است که ساختار هیئت مدیره به جز با دوره وصول مطالبات، ارتباط معناداری با سایر معیارهای مدیریت سرمایه در گردش ندارد.

دستگیر و هنرمند (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان "بررسی تاثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر کارایی مدیریت سرمایه در گردش"، به بررسی تاثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر کارایی مدیریت سرمایه در گردش در بین شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند. داده‌های مورد نیاز به صورت سالانه طی دوره زمانی ۹۰-۱۳۸۵ گردآوری شد. بر اساس پیش فرض های اقتصادسنجی، روش رگرسیون مبتنی بر داده های تابلویی - اثرات ثابت برای تمامی فرضیه های پژوهش انتخاب و بر اساس آن تجزیه و تحلیل داده ها انجام گرفت. بر اساس نتایج پژوهش، سازوکارهای حاکمیت شرکتی تا حدودی در بهبود کارایی مدیریت سرمایه در گردش اثرگذار است.

هرمزی و علی احمدی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه بین مدیریت سرمایه در گردش با حاکمیت شرکتی و تئوری سلسله مراتب تامین مالی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، به بررسی رابطه بین مدیریت سرمایه در گردش با حاکمیت شرکتی و تئوری سلسله مراتب تامین مالی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند. دوره انجام تحقیق ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸ است. در این پژوهش از داده های ترکیبی برای آزمون فرضیه ها استفاده شده است. نتایج این تحقیق نشان داد که بین متغیرهای دوره تصدی مدیریت، اندازه شرکت، رشد شرکت و جریان نقد آزاد با سرمایه در گردش رابطه معنی دار وجود دارد و بین متغیرهای بدهی، درصد مالکیت دولتی و درصد مالکیت نهادی با سرمایه در گردش رابطه وجود ندارد. همچنین، نتایج تحقیق نشان داد که شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تئوری سلسله مراتب تامین مالی را رعایت می کنند.

۲-۲. فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری فوق فرضیه‌های این پژوهش به شرح زیر ارائه شده است:

فرضیه اول: مالکیت نهادی بر مدیریت دریافتنی ها تاثیر منفی دارد.

فرضیه دوم: مالکیت عمده بر مدیریت دریافتنی ها تاثیر منفی دارد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ ماهیت از نوع پژوهش های همبستگی است؛ زیرا ارتباط بین متغیرهای پژوهش را با استفاده از مدل‌های رگرسیون بررسی می‌کند. پژوهش همبستگی یکی از روش‌های پژوهش است که رابطه میان متغیرها را براساس هدف پژوهش بررسی می‌کند. همچنین این پژوهش از لحاظ هدف از نوع پژوهش‌های بنیادی تجربی است. در این پژوهش از آن جهت که با استفاده از مدل‌ها، روش‌ها و نظریه‌های موجود به دنبال حل مشکل یا بهبود وضعیت تصمیم‌گیری در قلمرو پژوهش است، لذا نوع پژوهش بنیادی تجربی است.

۱-۳. جامعه آماری پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است؛ بنابراین قلمرو مکانی پژوهش، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. دلیل استفاده از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار به عنوان جامعه آماری تحقیق، سهولت دسترسی به اطلاعات این شرکت‌ها و قابل اطمینان بودن این اطلاعات است. همچنین قلمرو زمانی پژوهش سال‌های ۱۳۹۲ لغایت ۱۳۹۷ است. برای نمونه‌گیری از روش حذف سامانمند استفاده خواهد شد که شرایط آن به صورت زیر تعریف شده است:

۱- شرکت‌های مالی و سرمایه‌گذاری نباشد.

۲- در بازه زمانی پژوهش اطلاعات این شرکت‌ها در دسترس باشد.

۳- پایان سال مالی به ۲۹ اسفند ماه ختم شود.

۴- در طول دوره زمانی پژوهش تغییر سال مالی نداشته باشد.

با توجه به محدودیت‌های اعمال شده در نهایت تعداد ۱۰۵ شرکت به عنوان نمونه پژوهش انتخاب گردید.

۲-۳. تبیین و اندازه‌گیری متغیرها

متغیرهای این پژوهش شامل متغیرهای وابسته، مستقل و کنترلی است که در ادامه به توصیف آن‌ها پرداخته می‌شود.

تبیین و اندازه‌گیری متغیر وابسته

متغیر وابسته در این پژوهش مدیریت دریافتی‌ها است که به شرح زیر محاسبه می‌شود:

مدیریت دریافتی‌ها^{۲۶}: در این پژوهش برای محاسبه مدیریت دریافتی‌ها از نسبت حسابهای دریافتی به کل دارایی‌ها استفاده می‌شود.

تبیین و اندازه‌گیری متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل در این پژوهش مالکیت نهادی و مالکیت عمده است که به شرح زیر محاسبه می‌شوند:

مالکیت نهادی^{۲۷}: برابر است با مجموع درصد سهام نگهداری شده توسط سهامداران نهادی شرکت. مؤسسات سرمایه‌گذاری، نهادهای عمومی غیر دولتی و یا سایر شرکت‌های تجاری از جمله سهامداران نهادی محسوب می‌شوند.

مالکیت عمده^{۲۸}: برابر است با مجموع درصد سهام نگهداری شده توسط سهامداران عمده شرکت. سهامداران عمده شامل سهامدارانی می‌باشند که بیش از ۱۰ درصد سهام شرکت را در اختیار دارند.

تبیین و اندازه‌گیری متغیرهای کنترلی

متغیرهای کنترلی این پژوهش به شرح زیر ارائه شده است:

اندازه شرکت^{۲۹}: برابر است با لگاریتم طبیعی کل فروش شرکت.

اهرم مالی^{۳۰}: برابر است با نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها.

رشد^{۳۱}: برابر است با نرخ رشد دارایی‌های شرکت. نرخ رشد دارایی‌ها برابر است با کل دارایی‌های شرکت در سال جاری منهای کل دارایی‌های شرکت در سال گذشته تقسیم بر کل دارایی‌های شرکت در سال گذشته.

-
- 26. Receivable Ratio
 - 27. Institutional Ownership
 - 28. Major Ownership
 - 29. Firm Size
 - 30. Leverage
 - 31. Growth

سودآوری^{۳۲}: برابر است با نسبت سود عملیاتی به کل دارایی ها.
 نگه داشت وجه نقد^{۳۳}: برابر است با نسبت وجه نقد و سرمایه گذاری های کوتاه مدت به کل دارایی ها.
 اندازه هیئت مدیره^{۳۴}: برابر است با تعداد کل اعضای هیئت مدیره شرکت.
 استقلال هیئت مدیره^{۳۵}: برابر است با نسبت مدیران مستقل هیئت مدیره به کل اعضای هیئت مدیره.
 سهم بازار^{۳۶}: برابر است با نسبت فروش شرکت به کل فروش صنعت.

۳-۳. طرح آزمون فرضیه‌ها

در این پژوهش به پیروی از کریشناکوتی و جادیپا (۲۰۲۰) از مدل شماره (۱) برای آزمون فرضیه اول پژوهش استفاده خواهد شد. در مدل (۱) در صورتیکه ضریب β_1 منفی و معنادار باشد، فرضیه اول پژوهش رد نمی شود.
 مدل شماره (۱):

(۱)

*Receivable Ratio*_{it}

$$= \beta_0 + \beta_1 Institutional\ Ownership_{i,t} + \beta_2 Firm\ Size_{i,t} + \beta_3 Leverage_{i,t} + \beta_4 Growth_{i,t} + \beta_5 Profitability_{i,t} + \beta_6 Cash\ Ratio_{i,t} + \beta_7 Boardsize_{i,t} + \beta_8 Boardindependence_{i,t} + \beta_9 Market\ Share_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن:

*Receivable Ratio*_{it}: مدیریت دریافتی های شرکت i در سال t

*Institutional Ownership*_{i,t}: مالکیت نهادی شرکت i در سال t

*Firm Size*_{i,t}: اندازه شرکت i در سال t

*Leverage*_{i,t}: اهرم مالی شرکت i در سال t

*Growth*_{i,t}: رشد شرکت i در سال t

*Profitability*_{i,t}: سودآوری شرکت i در سال t

*Cash Ratio*_{i,t}: نگه داشت وجه نقد شرکت i در سال t

*Boardsize*_{i,t}: اندازه هیئت مدیره شرکت i در سال t

*Boardindependence*_{i,t}: استقلال هیئت مدیره شرکت i در سال t

*Market Share*_{i,t}: سهم بازار شرکت i در سال t

همچنین در این پژوهش به پیروی از کریشناکوتی و جادیپا (۲۰۲۰) از مدل شماره (۲) برای آزمون فرضیه دوم پژوهش استفاده خواهد شد. در مدل (۲) در صورتیکه ضریب β_1 منفی و معنادار باشد، فرضیه دوم پژوهش رد نمی شود.

- 32. Profitability
- 33. Cash Ratio
- 34. Boardsize
- 35. Boardindependence
- 36. Market Share

مدل شماره (۲):

(۲)

 $Receivable Ratio_{it}$

$$= \beta_0 + \beta_1 Major Ownership_{i,t} + \beta_2 Firm Size_{i,t} + \beta_3 Leverage_{i,t} \\ + \beta_4 Growth_{i,t} + \beta_5 Profitability_{i,t} + \beta_6 Cash Ratio_{i,t} + \beta_7 Boardsize_{i,t} \\ + \beta_8 Boardindependence_{i,t} + \beta_9 Market Share_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن:

 $Major Ownership_{i,t}$: مالکیت عمده شرکت i در سال t **۴. یافته‌های پژوهش**

فرضیه‌های پژوهش با استفاده از مدل رگرسیون به روش داده‌های ترکیبی آزمون می‌شوند، در مدل‌های رگرسیونی با توجه به مقادیر احتمال نسبت به رد یا تأیید فرضیه صفر تصمیم گرفته می‌شود. اگر احتمال کمتر از سطح معنی داری ۰/۰۵ باشد فرض صفر رد، در غیر این صورت فرض صفر پذیرفته می‌شود. در این پژوهش جهت آزمون معناداری کل مدل از آماره اف و جهت آزمون معنادار بودن ضرایب رگرسیون از آماره تی استفاده شده است.

(۱) آزمون اف لیمر و هاسمن

خلاصه نتایج آزمون اف لیمر و هاسمن در جدول (۱) ارائه شده است. همانطور که مشاهده می‌شود مقدار احتمال در هر دو آزمون اف لیمر و هاسمن کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، در نتیجه روش اثرات ثابت پذیرفته می‌شود.

جدول شماره (۱): آزمون اف لیمر و هاسمن

مدل	آزمون اف لیمر			آزمون هاسمن		
	آماره اف لیمر	احتمال	نتیجه	آماره هاسمن	احتمال	نتیجه
مدل اول	۲۵/۰۷۷۵۱۱	۰/۰۰۰۰	تابلوئی	۷۸/۶۵۵۲۱۹	۰/۰۰۰۰	اثرات ثابت
مدل اول	۲۴/۴۷۲۲۹۷	۰/۰۰۰۰	تابلوئی	۸۰/۱۲۶۴۰۳	۰/۰۰۰۰	اثرات ثابت

منبع: یافته‌های پژوهشگر

(۲) مفروضات مدل رگرسیون

قبل از برازش دادن مدل بر روی داده‌ها، پیش فرض‌های مدل بررسی می‌گردد:

الف- آزمون عدم خود همبستگی باقیمانده‌ها

با توجه به مقدار آماره دورین واتسون که در جدول (۲) ارائه شده است، مشخص شد که مدل‌های فوق دارای خود همبستگی نمی‌باشد.

جدول شماره (۲): آماره دورین-واتسون

مدل	حدود عدم خود همبستگی	آماره دورین واتسون
مدل اول	$1/5 < DW < 2/5$	۱/۵۴
مدل اول	$1/5 < DW < 2/5$	۱/۵۶

(منبع: یافته‌های پژوهشگر)

ب- آزمون عدم ناهمسانی واریانس باقیمانده ها

با توجه به جدول (۳) در این مدل فرض صفر (وجود همسانی واریانس) تأیید نمی‌شود که نشان می‌دهد مشکل ناهمسانی واریانس باقیمانده ها وجود دارد، بنابراین برای رفع آن در تخمین مدل از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده شده است.

جدول شماره (۳): آزمون همسانی واریانس

مدل	آماره (والد)	احتمال	نتیجه	روش تخمین
مدل اول	۱۰۶۳۸/۶۹	۰/۰۰۰۰	ناهمسانی واریانس باقیمانده ها	GLS
مدل اول	۱۰۷۱۲/۱۷	۰/۰۰۰۰	ناهمسانی واریانس باقیمانده ها	GLS

منبع: یافته های پژوهشگر

نتایج حاصل از تخمین مدل اول جهت آزمون فرضیه اول در جدول (۴) منعکس شده است.

جدول شماره (۴): نتایج تجزیه و تحلیل داده ها جهت آزمون فرضیه اول

متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	احتمال
INSTITUTIONAL_OWNERSHIP	-۰/۰۴۸۳۷۲	۰/۰۱۳۴۲۳	-۳/۶۰۳۷۳۵	۰/۰۰۰۳
FIRMSIZE	۰/۰۳۹۹۱۶	۰/۰۰۸۷۲۴	۴/۵۷۵۱۸۷	۰/۰۰۰۰
LEV	۰/۰۲۸۹۳۵	۰/۰۰۹۴۵۰	۳/۰۶۲۰۰۴	۰/۰۰۲۳
GROWTH	-۰/۰۵۰۳۰۱	۰/۰۰۹۵۷۰	-۵/۲۵۶۱۱۱	۰/۰۰۰۰
PROFITABILITY	-۰/۱۳۹۲۳۱	۰/۰۳۸۲۴۵	-۳/۶۴۰۵۴۱	۰/۰۰۰۳
CASHRATIO	-۰/۲۹۷۳۸۹	۰/۰۳۴۷۹۴	-۸/۵۴۷۰۰۷	۰/۰۰۰۰
BOARDSIZE	۰/۰۴۵۶۷۹	۰/۰۰۶۸۷۵	۶/۶۴۴۰۴۶	۰/۰۰۰۰
BOARDINDEPENDENCE	-۰/۰۱۰۶۲۹	۰/۰۱۶۵۵۲	-۰/۶۴۲۱۶۶	۰/۵۲۱۰
MARKETSHARE	۰/۱۴۱۰۹۰	۰/۰۴۷۹۱۸	۲/۹۴۴۳۷۸	۰/۰۰۳۳
C	-۰/۴۸۵۵۶۸	۰/۰۹۴۷۶۸	-۵/۱۲۳۷۳۵	۰/۰۰۰۰
R-squared		۰/۸۱	آماره F	۲۸/۸۷۴۷۰
Adjusted R-squared		۰/۷۸	Prob(F-statistic)	۰/۰۰۰۰۰۰

منبع: یافته های پژوهشگر

مقدار ضریب متغیر مالکیت نهادی مبین شاخصی برای ارزیابی فرضیه اول است، در صورتی که ضریب مذکور معنادار باشد نشان دهنده تأیید این فرضیه است. مقدار احتمال آماره تی برای این متغیر برابر ۰/۰۰۰۳ می‌باشد و کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است، بنابراین می‌توان گفت که فرضیه اول پژوهش در سطح خطای ۵ درصد پذیرفته می‌شود. همچنین علامت ضریب این متغیر منفی می‌باشد که نشان می‌دهد مالکیت نهادی تاثیر منفی بر مدیریت دریافتی ها دارد.

نتایج حاصل از تخمین مدل دوم جهت آزمون فرضیه دوم در جدول زیر منعکس شده است.

جدول شماره (۵): نتایج تجزیه و تحلیل داده ها جهت آزمون فرضیه دوم

متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	احتمال
MAJOR_OWNERSHIP	-۰/۰۶۴۰۹۶	۰/۰۱۶۲۵۹	-۳/۹۴۲۱۴۰	۰/۰۰۰۱
FIRMSIZE	۰/۰۴۰۸۳۹	۰/۰۰۹۲۸۲	۴/۳۹۹۹۶۵	۰/۰۰۰۰
LEV	۰/۰۲۸۱۱۰	۰/۰۰۸۸۹۸	۳/۱۵۸۹۸۳	۰/۰۰۱۶
GROWTH	-۰/۰۵۱۲۴۹	۰/۰۰۹۶۶۸	-۵/۳۰۰۹۳۰	۰/۰۰۰۰
PROFITABILITY	-۰/۱۴۰۱۶۶	۰/۰۳۸۶۳۴	-۳/۶۲۸۰۵۵	۰/۰۰۰۳
CASHRATIO	-۰/۲۹۶۷۱۵	۰/۰۳۴۷۶۰	-۸/۵۳۶۱۸۶	۰/۰۰۰۰
BOARDSIZE	۰/۰۴۵۷۲۴	۰/۰۰۶۷۷۴	۶/۷۴۹۶۳۸	۰/۰۰۰۰
BOARDINDEPENDENCE	-۰/۰۰۸۱۵۳	۰/۰۱۶۵۸۷	-۰/۴۹۱۵۲۹	۰/۶۲۳۲
MARKETSHARE	۰/۱۴۶۵۰۳	۰/۰۵۱۷۲۳	۲/۸۳۲۴۶۲	۰/۰۰۴۷
C	-۰/۵۱۳۱۹۰	۰/۱۰۴۵۲۲	-۴/۹۰۹۸۹۰	۰/۰۰۰۰
R-squared		۰/۸۱	آماره F	۲۸/۲۰۰۶۶
Adjusted R-squared		۰/۷۸	Prob(F-statistic)	۰/۰۰۰۰۰۰

منبع: یافته های پژوهشگر

مقدار ضریب متغیر مالکیت عمده مبین شاخصی برای ارزیابی فرضیه دوم است، در صورتی که ضریب مذکور معنادار باشد نشان دهنده تأیید این فرضیه است. مقدار احتمال آماره تی برای این متغیر برابر ۰/۰۰۰۱ می باشد و کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است، بنابراین می توان گفت که فرضیه دوم پژوهش در سطح خطای ۵ درصد پذیرفته می شود. همچنین علامت ضریب این متغیر منفی می باشد که نشان می دهد مالکیت عمده تأثیر منفی بر مدیریت دریافتی ها دارد.

۵. بحث و نتیجه گیری

نتایج آزمون فرضیه اول نشان داد که مالکیت نهادی تأثیر منفی بر مدیریت دریافتی ها دارد، به عبارت دیگر با افزایش درصد مالکیت سهامداران نهادی، نسبت حسابهای دریافتی کاهش می یابد، در نتیجه فرضیه اول پژوهش تأیید می شود. نتایج آزمون فرضیه دوم نشان داد که مالکیت عمده تأثیر منفی بر مدیریت دریافتی ها دارد، به عبارت دیگر با افزایش درصد مالکیت سهامداران عمده، نسبت حسابهای دریافتی کاهش می یابد، در نتیجه فرضیه دوم پژوهش تأیید می شود. مدیریت حسابهای دریافتی یکی از بخش هایی است که در ساختار مدیریتی یک شرکت نقش حیاتی ایفا می کند. به طوری که بحث حسابهای دریافتی و سایر دارایی های جاری را به مانند خونی تشبیه کرده اند که در رگ های یک واحد تجاری در جریان است تا واحد تجاری بتواند به حیات خود ادامه دهد. تجربه نشان داده است که یکی از دلایل عمده پریشانی مالی و ورشکستگی اغلب شرکت ها، مدیریت نامناسب حسابهای دریافتی است. یکی از عواملی که می تواند بر مدیریت حسابهای دریافتی تأثیر گذار باشد، حضور مالکیت نهادی و عمده در شرکت است. مالکان نهادی و عمده با تأثیری که بر مدیریت شرکت دارند می توانند حسابهای دریافتی شرکت ها را به سمت مقدار بهینه هدایت کرده و عملکرد شرکت را بهبود بخشند. لذا این انتظار می رود که با افزایش درصد مالکیت سهامداران نهادی و عمده، نسبت

حسابهای دریافتی کاهش یابد. نتایج به دست آمده در این پژوهش از بعد معناداری با نتایج پژوهش‌های کریشناکوتی و جادیپا (۲۰۲۰)، پالمینی و ناکامورا (۲۰۱۱)، ناصری و همکاران (۱۳۹۶)، زلقی و گودینی (۱۳۹۵) و رحمانی و همکاران (۱۳۹۳) همخوانی دارد.

با توجه به نتایج حاصل از پژوهش پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه شده است:

- با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود که سهامداران شرکتها؛ به ویژه سهامداران نهادی که درصد بالایی از سهام یک شرکت را دارا هستند، در انتخاب اعضای هیأت مدیره نهایت دقت را به عمل آورده و آنها را با رویکرد هدفمند انتخاب نمایند؛ به این صورت که دانش و تخصص لازم در حوزه فعالیت شرکت و همچنین، در حوزه مالی برخوردار باشند تا از این طریق بتوانند با نظارت درست بر مدیریت حساب‌های دریافتی و حتی با ارائه دیدگاه‌هایی تخصصی در این باره، مدیریت شرکت را در افزایش کارایی و بهبود عملکرد شرکت یاری رسانند.
- با توجه به یافته‌های پژوهش با توجه به اینکه مالکیت عمده تأثیر منفی بر نسبت حسابهای دریافتی دارد، لذا به مدیران شرکتها پیشنهاد می‌شود که در راستای مدیریت هرچه بهتر حسابهای دریافتی؛ به ویژه از طریق کاهش دوره وصول مطالبات، علاوه بر ویژگی‌های خاص شرکتها، توجه جدی نیز به نقش نظارتی سهامداران عمده داشته باشند.

۶. منابع و مآخذ

۱. پورزمانی، زهرا و رضاعی، آزاده. (۱۳۹۵). تاثیر نظارت خارجی بر رابطه بین نسبت گردش سرمایه و عملکرد صندوق های سرمایه گذاری مشترک، *مطالعات حسابداری و حسابرسی* دوره ۵، شماره ۲۰، ۱-۲۰.
۲. دستگیر، محسن و هنرمند، مهسا. (۱۳۹۳). بررسی تاثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر کارایی مدیریت سرمایه در گردش، *حسابداری مدیریت* دوره ۷، شماره ۲۲، ۶۹-۸۸.
۳. رحمانی، فاطمه؛ واعظ، سید علی؛ قنواتی، نسرين و قلمبر، محمد حسین. (۱۳۹۳). بررسی رابطه ی تمرکز مالکیت و ساختار هیئت مدیره با کارایی مدیریت سرمایه در گردش، *مدیریت دارایی و تامین مالی* دوره ۲، شماره ۱، ۱۱۳-۱۲۸.
۴. زلقی، حسن و گودینی، مریم. (۱۳۹۵). بررسی تاثیر ساختار مالکیت بر رابطه بین مدیریت سرمایه در گردش و سودآوری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *چهارمین کنفرانس بین المللی پژوهشهای کاربردی در مدیریت و حسابداری*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۵. ناصری، احمد؛ سلیمانی، ساعده و یزدی فر، حسن. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر کارایی مدیریت سرمایه در گردش در بورس اوراق بهادار تهران، *چشم انداز مدیریت مالی* دوره ۲۰، ۵۵-۷۰.
۶. هرمزی، هادی و علی احمدی، سعید. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین مدیریت سرمایه در گردش با حاکمیت شرکتی و تئوری سلسله مراتب تامین مالی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *حسابداری مدیریت* دوره ۵، شماره ۱۵، ۳۱-۳۹.
7. Al-Fayoumi, N., Abuzayed, B. and Alexander, D. (2010), "Ownership structure and earnings management in emerging markets: the case of Jordan", *International Research Journal of Finance and Economics*, Vol. 38, pp. 28-47.
8. Ang, J. S., Cole, R. A., & Lin, J. W. (2000). Agency costs and ownership structure. *The Journal of Finance*, 55(1), 81-106.

9. Bar-Yosef, S. and Prencipe, A. (2013), "The impact of corporate governance and earnings management on stock market liquidity in a highly concentrated ownership capital market", *Journal of Accounting, Auditing, and Finance*, Vol. 28 No. 3, pp. 292-316.
10. Borochin, P., Yang, J., 2017. The effects of institutional investor objectives on firm valuation and governance. *Journal of Financial Economics* 126 (1), 171–199.
11. Bowen, Robert M., David Burgstahler, and Lane A. Daley (1987), "The Incremental Information Content of Accrual versus Cash Flows," *The Accounting Review*, 62(4), 723-747.
12. Deangelo, Linda Elizabeth (1986), "Accounting Numbers as Market Valuation Substitutes: A Study of Management Buyouts of Public Stockholders," *The Accounting Review*, 61(3), 400-420.
13. Gill, Amarjit S. and Biger, Nahum, (2013), "The impact of corporate governance on working capital management efficiency of American manufacturing firms" , *Managerial Finance*, Vol. 39 No. 2, pp. 116-132.
14. Hung, C. Y., & Kao, L. H. (2011). Management style of accounts receivable and performance of the firms: Evidence from Taiwan electronics industry. *Management Review*, 30, 49–72.
15. Healy, Paul M. (1985), "The Effect of Bonus Schemes on Accounting Decisions," *Journal of Accounting and Economics*, 7(1-3), 85-107.
16. Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of financial economics*, 3(4), 305–360.
17. Krishnankutty, Raveesh. Jadiyappa, Nemiraj. (2020). Ownership structure and receivables management, *J Public Affairs*. 1-5.
18. Kajanathan, R., and Achchuthan, S. (2013), Corporate Governance Practices and Working Capital Management Efficiency: Special Reference to Listed Manufacturing Companies in Srilanka, *Information and Knowledge Management*, No 2, pp 216-226.
19. Kyereboah -Coleman.A, and Osei(2008).K, A. "Outreach and profitability of microfinance institutions: the role of governance" . *Journal of Economic Studies*.Vol. 35 No. 3,,pp. 236-248.
20. Liu, Guoqiang, Zongfang Zhou, and Yong Shi (2007), "A Multi-dimensional Forward Selection Method for Firms' Credit Sale," *Computers & Mathematics with Applications*, 54(9-10), 1228-1233.
21. Mian, S. L., & Smith, C. W. Jr. (1992). Accounts receivable management policy: Theory and evidence. *The Journal of Finance*, 47(1), 169–200.
22. Michalski, G. (2012). Efficiency of accounts receivable management in Polish institutions. *European Financial Systems*.
23. Molina, C. A., & Preve, L. A. (2009). Trade receivables policy of distressed firms and its effect on the costs of financial distress. *Financial Management*, 38(3), 663–686.
24. Palombini, N.V.M., & Nakamura, W.T. (2012). Key Factors In Working Capital Management In The Brazilian Market. *Revista de Administração de Empresas*, Vol. 52, No. 1, pp. 55-69.
25. Shin, H. H., & Soenen, L. (1998). Efficiency of working capital management and corporate profitability. *Financial practice and education*, 8, 37–45.
26. Schiff, Michael and Zvi Lieber (1974), "A Model for the Integration of Credit and Inventory Management," *The Journal of Finance*, 29(1), 133-140.
27. Stanford, Robert E. (1989), "Optimizing Profits from a System of Accounts Receivable," *Management Science*, 35(10), 1227-1235.
28. Velury, U. and D.S. Jenkins. (2006). Institutional Ownership and the Quality of Earnings. *Journal of Business Research* 59: 1043-1051.

The effect of Institutional Ownership and Major Ownership on Receivables Management

Hassan Rahimifard^{*1}

Mohsen Sadeghi²

Date of Receipt: 2020/11/21 Date of Issue: 2020/12/01

Abstract

The purpose of this study is to investigate the impact of institutional ownership and major ownership on receivables management. In line with the purpose of the research, two hypotheses were developed. To test these two hypotheses using the systematic elimination method, a sample consisting of 105 companies was selected from the companies listed on the Tehran Stock Exchange during the eight years between 2011 and 2018. Multivariate regression models using combined data method were used to analyze the data and test the hypotheses. The results showed that institutional ownership has a negative impact on receivables management. The results also showed that major ownership has a negative impact on receivables management.

Keywords

Institutional Ownership, Major Ownership, Receivables Management.

1. PhD Student in Accounting, Faculty of Management and Accounting, Mobarakeh Azad University, Isfahan, Iran (*Corresponding Author: hasanrahimifard@yahoo.com).
2. Assistant Professor of Accounting, Faculty of Management and Accounting, Mobarakeh Azad University, Isfahan, Iran (mohsen_ms_sadeghi@yahoo.com).

